



ضرورت پرداختن به تاریخ انبیاء(ع) همانند ضرورت بعثت است

رئیس مؤسسه فتوح اندیشه در نشست «انبیاء؛ حلقه مفقوده تاریخ» گفت: از نگاه ما تاریخ بشر با یک نبی شروع می‌شود و با یک ولی ختم می‌شود، ضرورت پرداختن به تاریخ انبیاء در واقع همان ضرورت بعثت انبیاء است.

رئیس مؤسسه فتوح اندیشه در نشست «انبیاء؛ حلقه مفقوده تاریخ» گفت: از نگاه ما تاریخ بشر با یک نبی شروع می‌شود و با یک ولی ختم می‌شود، ضرورت پرداختن به تاریخ انبیاء در واقع همان ضرورت بعثت انبیاء است.

به گزارش خبرنگار مهر، بعد از ورود اندیشه های استعماری و نقش استعمارگران و جماعت منورالفکر در تربیت و تدوین نیروی انسانی و محتوای مورد نظر غرب و استعمار غربی در ایران؛ عملاً علوم انسانی از مبدأ «خدامحوری و تفکر اسلامی» فاصله گرفت و علمی با مبدأ انسان محوری (اومانیزم) در دانشگاه ها و مدارس کشور جایگزین شد. اتفاقی که در طول یک قرن و نیم گذشته صدمات فرهنگی بسیاری به ایران و ایرانی زده است.

در این میان علم تاریخ هم از این سیل خانمان برانداز در امان نمانده و با آموزه های استعماری به دام «انسان محوری» و فاصله گرفتن از تفکر اسلامی افتاد. به طوری که تاریخ نگاری که قبل از دوره قاجار مبتنی بر تفکر اسلامی بود و مبدأ شروع روایت هر مورخ از هبوط حضرت آدم بر روی زمین و سپس بیان تاریخ انبیاء و احوال ایشان آغاز می‌شد؛ بعد از چاپ کتاب «تاریخ ایران» نوشته سرجان ملکم - وابسته نظامی انگلیس در ایران - الگوی تاریخ نویسی به تبعیت از وی تغییر کرد و به جای مبدأ شدن تاریخ انبیاء الهی، تاریخ موهوم باستان از مرحله ورود آریائی ها به ایران مبدأ روایت گری تاریخ شد. اتفاقی که نتیجه آن حذف فلسفه تاریخ از نگاه قرآن و اهل بیت(ع) در مقابل مبنا قرار گرفتن فلسفه تاریخ غربی شد.

بر این اساس به همت کارگروه تاریخ بانوان مؤسسه اشراق نشست تخصصی «انبیاء؛ حلقه مفقوده تاریخ» برگزار شد. سخنرانان این نشست تخصصی حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد رهدار رئیس مؤسسه فتوح اندیشه و دکتر محمدهادی همایون استاد دانشگاه امام صادق(ع) بودند.

در ابتدای این نشست، میرمرعشی دبیر علمی این نشست تخصصی با تبیین ضرورت برگزاری چنین نشست هایی عنوان کرد: خلأهای موجود در تاریخ نگاری مرسوم کشور که نتیجه نگاه اومانیزستی حاکم بر دانشگاه ها است، انگیزه ما را برای برگزاری چنین نشستی تقویت نمود تا به بررسی مبدأ و فلسفه تاریخ نگاری با نگرش اسلامی بپردازیم و لذا این نشست با این هدف برگزار شد.

ضرورت پرداختن به تاریخ انبیاء

در ادامه نشست، دکتر احمد رهدار در جوابی به سؤال ضرورت پرداختن به تاریخ انبیاء اظهار داشت: ضرورت پرداختن به تاریخ انبیاء در واقع همان ضرورت بعثت انبیاء است. یک تفاوتی بین ما و اهل سنت وجود دارد و آن اینکه اهل سنت ختم نبوت را ختم حجت می‌دانند، ولی ما ختم نبوت را ختم حجت نمی‌دانیم، بلکه سراسر تاریخ را تاریخ حجج الهی می‌دانیم. از نگاه ما تاریخ بشر با یک نبی شروع می‌شود و با یک ولی ختم می‌شود. اولین انسانی که مکلف می‌شود در زمین نبی هست و آخرین انسانی هم که از دنیا می‌رود ولی هست. بر این اساس کل تاریخ بشر می‌شود تاریخ حجج، تاریخ قدسی. مبانی روایی ما زیادی این تعبیر را تایید می‌کند. تعبیر روایی داریم که اگر یک لحظه حجت خدا در زمین نباشد، زمین از هم می‌پاشد. شبیه این تعبیر را حضرت زهرا(س) دارند که اگر ما اهل بیت نباشیم، نظام عالم از هم می‌پاشد.

وی بیان کرد: ما البته خیلی با تاخیر و در پس یک تاریخ طولانی متوجه شدیم که یک کلاهی بر سر ما رفته است و آن اینکه چرا ما بر مبنای تاریخ اهل بیت و مبنای تاریخ حجج و انبیاء، تحلیل تاریخ را استوار نکردیم؟!

اولین انسان پیامبر است

در ادامه این نشست دکتر محمدهادی همایون با اشاره به سخنان دکتر رهدار گفت: تصور ما این است که بشر در روی زمین قرار گرفت و بدون هیچ چیزی رها شد و در کنار رودخانه ها کم کم به عنوان یک حیوان هوشمند زندگی را شروع کرد و به اعتبار این رودخانه ها در مکان های مختلف پخش شده است و این بشر کم کم با خدا آشنا می‌شود و خدا تازه به فکر ارسال هادیان برای بشر می‌افتد. بعد این اقوام یا مطیع این هادیان بودند یا نبودند و در ادامه عذاب آمده و مجرا تمام شده است! «این تازه نگاه خیلی از دین مداران است نه منکران خدا!»

وی افزود: متأسفانه کسی بر این مبنا فکر نمی‌کند که اولین انسان پیامبر است. این بحث خیلی از مباحث عقلی و کلامی ما را حل می‌کند. من بارها در عمق مباحث استدلالی رفته و متوجه می‌شوم که هر چه عمیق تر می‌شویم، پشتوانه بحث به جایی نمی‌رسد و در ادامه وقتی به این نکته فائق می‌آییم که اولین انسان نبی بوده است، بسیاری از نقاط تاریک ذهنی چه در مسائل تاریخی و چه در مسائل غیرتاریخی روشن می‌شود.

وی در ادامه به سیر انبیاء(ع) اشاره کرد و افزود: نکته بعدی اتصال و سلسه انبیاء است. اینکه یک مأموریت واحدی بوده و پیامبان هر کدام در یک مقطع تاریخی، مأمور به اجرای بخشی از برنامه بودند، نکته بسیار مهمی است. اینکه چند وقت پیش یک بحثی صورت گرفت که آیا انبیاء موفق بودند یا نه؟! کاملاً تابع این است که ما نقشه و برنامه را چی و چگونه ببینیم. من فکر می‌کنم که منشأ انحراف در سایر علوم تاریخ است. از تاریخ این انحراف شروع شد و در ادامه روش تحقیق به کمک علوم

گوناگون می‌آید.

تغییر منزلت‌ها با نزول شریعت‌ها تعیین می‌شده است

در ادامه این نشست، **حجت الاسلام دکتر رهدار** با اشاره به بحث سلسله انبیاء افزود: گزارشی که قرآن از نسبت انبیاء ارائه می‌دهد، دو کلمه مبشر و مصدق است، یعنی هر نبی، مصدق نبی قبل و مبشر نبی بعد از خود بوده است. به وضوح این اتصال را قرآن نشان می‌دهد. تعبیر مأموریتی که دکتر همایون بیان نمودند زیبا بود. این مأموریت مناسب با ظرف رشد تاریخی بشر برنامه‌اش پیاده می‌شود.

وی افزود: این نکته مهم است که چرا مأموریت‌های سنگین انبیاء، به قسمت اواخر حضور انبیاء افتاده است. حضور نبی باعث رشد می‌شود، البته ما معتقد هستیم که فاعلیت فعل در مورد انبیاء کامل بوده و قابلیت قابل ناقص بوده، یعنی نبی اول همه داشته‌های هدایت مردم را در اختیار داشته است ولی ظرف جامعه و زمانه محدود بوده است. لذا نبی باید این ظرف فهم را گسترش بدهد.

وی بیان داشت: نبی اول یک کار می‌کند و نبی دوم کار را پیش می‌برد. تصویری که از نسبت انبیاء در ذهن دارم این است که شما در نظر بگیرید ارتقای مقاطع تحصیلی را که مثلاً فرد از دبیرستان به دوره کارشناسی و بعد ارشد و الی آخر بالا می‌رود. این منزلت‌های تحصیلی با چه عقلانیتی به عنوان یک مقطع عوض می‌شود. چرا نمی‌گویند کلاس سیزدهم، چهاردهم و الی آخر. به نظر من تغییر مقاطع در اصل تغییر منزلت‌های فهم است.

وی افزود: در تاریخ، تغییر منزلت‌ها با نزول شریعت‌ها تعیین می‌شده است. گاهی اوقات از کلاس اول تا پنجم، ما چند درس و معلم را تجربه می‌کنیم. در تغییر منزلت‌های شرایع نیز همین اتفاق می‌افتد. همیشه این طوری نبوده که یک شریعت بر دوش یک نبی به جلو آمده باشد. مثلاً فرض کنید صد نبی بنی‌اسرائیلی می‌آمدند و شریعت حضرت موسی(ع) را جلو می‌آوردند.

شریعت آخرین، آخرین گنجینه‌های خداوند روی زمین است

دکتر رهدار افزود: چه زمانی شریعت عوض می‌شود و شریعت بعدی می‌آید؟ به نظر بنده زمانی شرایع در تاریخ عوض می‌شود که همه بالقوه‌های یک شریعتی، نه توسط تک‌تک افراد بلکه توسط مجموعه جامعه بالفعل شود. یعنی این شریعت در عالم عین به تمامیت رسیده باشد. در این زمان شریعت جدید با داشته‌های جدید و البته در تداوم همان مأموریت قبلی با رسولانی جدید می‌آید. تا زمانی که همه داشته‌های یک شریعت در روی زمین به تحقق نرسد، شریعت بعدی نمی‌آید، حتی زمانی که این کار به طول انجامد و انبیای زیادی بر روی زمین مبعوث شوند و در نهایت می‌رسیم به شریعت آخرین.

وی با اشاره به اینکه شریعت آخرین، آخرین گنجینه‌های خداوند روی زمین است، گفت: بطن‌های گوناگون دارد و زمینه معرفتی خداوند روی زمین است. دیگر بعد از این، شریعتی نمی‌آید و هر چه هم عقول رشد کند، لایه‌های جدید همین شریعت کشف می‌شود. نزول شریعت در واقع پیچ‌های تاریخی، تاریخ قدسی خداست. معنی این حرف این است که گاهی شما در زمان حرکت می‌کنید لکن سطح حرکت ثابت است ولی در زمان تغییر شریعت، سطح حرکت بالا می‌آید و در اصل تغییر منزلت رخ داده است. همین طور ما جلو آمدیم تا استعداد هم صحبتی با شریعت آخرین خدا را پیدا کردیم.

در ادامه این نشست رهدار رئیس مؤسسه فتوح اندیشه با پاسخ به سؤال مواجه با اسرائیلیات و عدم وجود احادیث ثقه در مواردی خاص افزود: من از شاگردان شهید مطهری شنیدم که ایشان عقیده داشتند، گذشته به طور کلی به دو بخش تقسیم می‌شود: دوره ما قبل تاریخ و دوره ما بعد تاریخ. دوره ماقبل تاریخ از آغاز هست تا بعثت پیغمبر خاتم و دوره تاریخ بشر از بعثت پیغمبر به این سمت شروع می‌شود. چرا شهید مطهری چنین حرفی را می‌زند؟ چون ایشان معتقد است که از زمانی تاریخ بشر آغاز می‌شود که، شریعت بشر کامل می‌شود.

وی افزود: تمام شرایع پیش از شریعت آخرین در اختیار بشر نیست و تحریف شده است. تاریخ‌شان هم تحریف شده است. هم تاریخ‌شان و هم نص شریعت‌شان تحریف شده است. در اسلام نه تاریخ تحریف می‌شود و نه شریعت. بزرگوارانی مثل علامه امینی و علامه عسکری اصرار داشتند که ما می‌توانیم از دل تاریخ اهل سنت، حقایق شیعه را در بیاوریم و درآورند. یعنی تاریخ با این همه پیچیدگی‌هایی که دارد، گم نیست و فقط پیدا کردنش زحمت دارد. تاریخ اسلام تحریف نشده و نمی‌تواند تحریف شود. چون شریعت، شریعت تحریف نشده است، تاریخش را محافظت کرده.

۲۷۰ سال تحت قضاوت پیوسته معصومین(ع) قرار گرفته است

وی افزود: تاریخ ۲۷۰ ساله صدر اسلام از بعثت پیامبر(ص) تا غیبت کبری امام زمان(عج)، تنها تاریخی است که تحت قضاوت پیوسته معصومین(ع) قرار گرفته است. هر اتفاقی که در این ۲۷۰ سال افتاده است در معرض قضاوت معصوم قرار گرفته است، لذا تاریخ ۲۷۰ ساله اهل بیت(ع) یک منبع به حجیت رسیده معرفتی است. بسیاری از کتب غربی تاریخی موجود در خیلی از موارد ناگزیر به حدس زدن تاریخ در مقطعی‌اند. این کتب اگر بخواهند تاریخ برای ما بنویسند ناگزیرند تا حلقه‌های مفقوده را بیابند! خود آنها متواضعانه هم اعلام کردند که بافتیم!

وی اظهار کرد: فقط ما به منبعی وصل هستیم که نه فقط حلقه‌های مفقوده تاریخ را بلکه لایه‌های باطنی آنها را نیز برای ما توضیح داده است. به طور مثال امام صادق(ع) می‌گویند که موسی بی‌عمران(ع) در کوه طور به خدا چنین گفت و خدا چطور پاسخ داد. مناجات یک امر پنهان است. چند قرن بین امام صادق(ع) و حضرت موسی(ع) فاصله است؟ در اینجا یک کسی از یک لایه باطنی در یک عقبه تاریخی گزارش می‌دهد و فقط همان می‌تواند گزارش بدهد. ما باید کل تاریخ را از منظر این ۲۷۰ سال زندگانی معصومین نگاه کنیم.

ره‌دار در پایان سخنانش اظهارداشت: معصومین(ع) حسب اعتقاد شیعه یک وجود در زمانی دارند و یک وجود بر زمانی. نسبت زمان و زمانه آدم‌ها بعضی وقت‌ها منطبق بر هم نیست. خیلی به ندرت آدم‌هایی پیدا می‌شوند که زمانه‌شان از زمانشان بزرگتر است. مثل انبیا و اولیای الهی. مثل حضرت امام(ره). الان اگر جایی بگوییم عصر امام خمینی، کسی به ما نمی‌خندد. زمان امام تمام شده ولی زمانه امام تمام نشده است. زمانه یک فرد هنگامی تمام می‌شود که وقتی مسائل زمان را به گفتمان می‌زنید پاسخی نگیرید. مثلاً الان وقتی نیازمندی‌های جسمی‌مان را به طب بوعلی می‌زنیم جواب نمی‌گیریم. حداقل بخشی از پاسخ‌های ما در طب بوعلی یافت نمی‌شود. پس زمانه، زمانه بوعلی نیست. تا زمانی که ما مسائلمان را به گفتمان حسین بن علی(ع) زدیم و پاسخ گرفتیم، زمانه زمانه امام حسین(ع) است. ائمه(ع) طوری سخن گفتند که سخنان آنان از گذشته تا انتهای تاریخ آیینهم ما می‌شود.